

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

جهانی شدن و تحول گفتمان روشنگری

۱۳۹۶-۱۳۴۲ دینی ایران

دکتر حمید رضا سعیدی نژاد

(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

کرمانشاه)

زینب ویسی

(دانش آموخته ارشد علوم سیاسی)

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اول

جهانی شدن و تحول در ساختار معنایی اندیشه
های سیاسی جامعه بین الملل

مقدمه

بخش اول : جهانی شدن ، تعاریف ویژگی ها
گفتار اول : جهانی شدن اقتصاد
گفتار دوم: جهانی شدن در بعد سیاسی
گفتار سوم: جهانی شدن در بعد فرهنگی
بخش دوم: جهانی شدن و تحول در ابزارهای
اطلاعاتی و ارتباطی

گفتار اول : رادیکالیسم چپ

گفتار دوم: جهانی شدن و گسترش لیبرالیسم

نتیجه

فصل دوم

رادیکالیسم چپ و روشنفکران دینی ایران پیش

از انقلاب (۱۳۴۲-۵۷)

مقدمه

بخش اول: گروه های سیاسی روشنفکری

متاثر از گفتمان چپ

گفتار اول : فدائیان خلق

گفتار دوم: مجاهدین خلق

گفتار سوم: فرقان

بخش دوم: بررسی آراء و اندیشه های دکتر

علی شریعتی

نتیجه گیری

فصل سوم

لیبرالیسم و روشنفکران دینی ایران بعد از انقلاب

(۱۳۶۸-۱۳۹۴)

مقدمه

بخش اول: پیش درآمد

بخش دوم: آراء و اندیشه های دکتر

عبدالکریم سروش

سروش و لیبرالیسم

نتیجه گیری

نتیجه‌گیری پایانی

منابع و مأخذ

مقدمه

در سال های پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷ (۱۳۴۲ به بعد) در ایران روشنفکران دینی اعم از شریعتی، مطهری و . . . تعبیری بسیط از دین داشتند. از نگاه آنان دین اسلام راه حل تمامی مشکلات اجتماعی و سیاسی جامعه ایران بود. به تعبیر آنان دین اسلام می توانست از طریق تأسیس حکومت دینی موجبات بسط عدالت را در جامعه ایران فراهم آورد. این روشنفکران بویژه شریعتی با تأکید بر عدالت اجتماعی و بهره گیری و تأثیر از گفتمان مسلط اندیشه های سیاسی چپ و با برجسته کردن وجوده سیاسی و اجتماعی دین، آن را به عنوان یک

ایدئولوژی و ابزار سیاسی جهت مبارزه با رژیم
محمد رضا شاه تعریف نمودند و البته از این را
موفق به بسیج سیاسی نسل جوان مذهبی پیش از
انقلاب علیه رژیم شاه شدند و نهایتاً تلاش آنان در
۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با رسیدن به آرزوی دیرینه آنها یعنی
استقرار حکومت اسلامی در ایران به ثمر نشست.

بعد از گذشت یک دهه از انقلاب ایران، شاهد
تحول در آراء و دیدگاه های روشنفکران مذهبی در
ایران هستیم. نسل جدید روشنفکران دینی در ایران
به تدریج بجای عدالت بر آزادی تکیه می کردند.
این نسل جدید روشنفکران در ایران همانند مجتبه
شبستری، اشکوری، کدیور، و بویژه عبدالکریم
سروش تلاش دارند دین را از صحنه سیاست و

اجتماع دور کنند و مجدداً به پستوی خصوصی افراد برگردانند.

به تعبیر روشنفکران دینی جدید ایران دین اسلام و فقه شیعه، اصولاً گره گشای همه مشکلات جامعه نیست، دین برای تزکیه نفس افراد است و فقه توانایی اداره امور جامعه که امروزه بسیار تخصصی است را ندارد و به عبارت بهتر روشنفکران دینی بعد از انقلاب بر خلاف روشنفکران دینی پیش از انقلاب، امروزه از توجه به عناصر و ابعاد اجتماعی و سیاسی دین و تأکید بر توانایی های فقه برای اداره امور جامعه و استقرار عدالت اجتماعی، به سمت نوعی تعبیر فرد گرایانه از دین و سکولاریسم

گرایش پیدا کردند که این پژوهش با عنایت به موضوع جهانی شدن و تحول ساختار معنایی جامعه بین الملل در صدد واکاوی این تحول گفتمانی است.

اندیشه های روشنفکری دینی نسل سوم ایران اکنون ، ادامه تفکرات روشنفکری نسل دوم پیش از انقلاب نیست و با آن تفاوت های ماهوی دارد . ریشه این گسست فکری را بیش از هر عامل دیگری در سطح تحلیل کلان ساختار فکری جامعه بین الملل باید جستجو نمود . پدیده جهانی شدن و فروپاشی شوروی باعث گردید که گفتمان مسلط رادیکالیسم چپ در سطح جهانی جای خود را به گفتمان جهانی لیبرالیسم واگذارد . به تأثیر از تسلط جهانی گفتمان

فکری کمونیسم ، اندیشه های روشنفکری دینی نسل دوم در پیش از انقلاب ایران به برداشتی سوسياليستی و عدالت محور و انقلابی با تعریفی بسیط و حداکثری از اسلام گرایش داشت . تلاش برای برداشتی ایدئولوژیک از اسلام که بتواند با الهام از انسان آرمانی ، تعریفی حماسی و انقلابی برای تأسیس حکومت و رسیدن به جامعه بی طبقه توحیدی ارائه نماید . دال های مسلط در این گفتمان عبارت بودند از : شهادت ، قیام ، جهاد و احیاء و بازگشت به اسلام اصیل و استکبار ستیزی . در این گفتمان به واسطه تأثیر پذیری از گفتمان غالب جهانی چپ ، به وضوح رد پای مارکسیسم بر

ملاست . اما در سال های پس از انقلاب ایران ، امواج پدیده ای جدید به نام "جهانی شدن "که در بطن خود حامل ارزش های لیبرالیسم بود به تدریج ذهن و فکر روشنفکران همه دنیا از جمله روشنفکران دینی ایران را تحت تأثیر خود قرار داد . به برکت جهانی شدن دیگر نه حاکمیت مطلق دولت ها و نه مرز ها به مثابه دیوار های آهنین قادر به جلو گیری از مبادله آزاد اطلاعات و اندیشه ها در سطح جهانی نبودند از سوی دیگر با فروپاشی سوروسی - کعبه آمال چپ گرایان جهان - رادیکالیسم چپ به حاشیه رفت و جای خود را به لیبرالیسم سپرد . به تأثیر از این تحول جهانی سمت و سوی جریان روشنفکری دینی ایران پس از انقلاب به تدریج - به

جای تأثیر پذیری از اندیشه های چپ ، همانند نسل دوم - اکنون متأثر از اندیشه های لیبرال بود . دال های مسلط این گفتمان جدید - بر خلاف گفتمان روشنفکری پیش از انقلاب عبارت بود از : تلاش برای ایدئولوژی زدایی از دین ، ادعایی عصری بودن دین ، تفکیک دین به ذاتیات و عرضیات ، تفکیک دین از معرفت دینی و تلاش برای ارائه تعریفی حداقلی از دین به نحوی که با ارزش های لیبرالیسم همچون دموکراسی به مثابه بهترین شکل حکومت داری ، آزادی به عنوان حق فطری انسان ها ، پلورالیسم و تکثر گرایی ، تساهل و مدارا ، حقوق بشر و سکولاریسم انطباق داشته باشد.

در باب اهمیت موضوع این اثر باید اشاره نمود ، از آنجاییکه انقلاب ایران یک انقلاب دینی بود که منجر به تأسیس حکومت دینی نیز گردید بررسی دیدگاه ها و نظریات روشنفکران دینی به عنوان ایدئولوگ های این حکومت بسیار حائز اهمیت می باشد. در واقع یکی از مهمترین منابع ایدئولوژی و مشروعيت ساز برای حکومت نیز همین آراء و اندیشه های روشنفکران دینی در ایران است. از این زاویه این پژوهش در صدد است تا چرایی تغییر و تحول در آراء روشنفکران دینی ایران و همچنین تحولات آن را در ارتباط با تحولات فکری سطح کلان جامعه بین الملل به منظور آسیب شناسی حکومت دینی در ایران بررسی نمایند.

از زاویه نگاه این کتاب، موضوع روشنفکری دینی ایران تا کنون چندان مورد بررسی واقع نشده است. علیرضا نامور حقیقی در رساله دکتری خود، با عنوان تحول در الگوی فکری روشنفکران دینی در ایران شاید نزدیکترین اثر به رساله حاضر باشد (نامدار حقیقی، ۱۳۸۰). البته تفاوت هایی نیز وجود دارد : اولاً رساله نامدار حقیقی چهارده سال پیش به رشته تحریر در آمده است و لذا تحولات اخیر را طبیعتاً در بر نمی گیرد . دایره پژوهش آن اثر بسیار گستردۀ است و از مشروطه به بعد را در بر می گیرد و لذا با پژوهش حاضر که از سال ۱۳۴۲ را شامل می شود متفاوت است . رساله نامدار حقیقی بر

خلاف رساله حاضر فرضیه های متعددی را از جمله « تجربه حکومت دینی » ، « سکولاریسم»، و.....را پوشش داده است. بطور کلی نقدهایی را می توان به اثر نامدار حقیقی وارد دانست از جمله اینکه سکولاریسم عامل نیست بلکه خود معلول است، معلول روند کلی تری بنام جهانی شدن می باشد. از سوی دیگرنویسنده در دیدگاه خود از جهانی شدن به سراغ عوامل محدود کننده کنترل دولت ها بر شهروندان رفته است و روند محدود شدن حاکمیت ملی کشورها را مورد نظر قرارداده است. از نگاه ایشان جهانی شدن یعنی افزایش قدرت بازارهای ارزش، شرکت های چند ملیتی و بانک های جهانی که موجب تحدید دایره اختیار و اقتدار دولت های

ملی در حوزه اقتصاد شده است می باشد. در حالی که جهانی شدن تیغ دولبه است البته یک طرف کاهش حاکمیت دولت هاست و طرف دیگر فراهم آوردن ابزارهای جدید صنعت آی تی در دست دولت ها برای کنترل بیشتر شهروندان است. در حالیکه نگاه این رساله به جهانی شدن همانگونه که در فصل بعدی خواهد آمد، نه از موضع کاهش حاکمیت دولت ها بلکه تسريع در گسترش افکار و اندیشه های جدید در مسیر رشد روز افزون تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی است که به سرعت فکر و ذهن نه تنها شهروندان عادی بلکه

حتی نخبگان فکری و اندیشمندان و روشنفکران دینی را دچار چالش و دگرگونی کرده است.

لذا در این پژوهش بر خلاف رساله نامدار حقیقی با رویکردی متفاوت با موضوع جهانی شدن پرداخته شده و بجای نگاه به جهانی شدن به عنوان عامل محدود کننده اقتدار و حاکمیت و کنترل دولت ها بر جامعه ، جهانی شدن به عنوان بستری برای تسریع در گسترش و تعامل اندیشه های جامعه بین الملل پرداخته شده است.

در پژوهش دیگر فردین قریشی در رساله دکتری خود با عنوان جهانی شدن و بازسازی اندیشه دینی در ایران به موضوع تحول در روشنفکری دینی ایران پرداخته است(قریشی، ۱۳۸۰). در این رساله بر خلاف

پژوهش حاضر موضوع روشنفکری دینی در ایران را در یک دوره تاریخی بسیار بلند از مشروطه امروزه بررسی نموده است و تلاش نموده که تاثیر اندیشه های چپ، ناسیونالیسم و اندیشه های لیبرال را بر جریان روشنفکری دینی در ایران بررسی نماید. نویسنده جریان ناسیونالیسم در ایران را همدیف مارکسیسم و لیبرالیسم متاثر از فکر بیرونی می داند که جای تردید دارد. به نظر می رسد ملی گرایی در ایران اندیشه ای بومی متاثر از عظمت تاریخی از ایران باستان باشد در هر صورت این موضوع و همچنین گستردگی دایره تحقیق رساله فردین

قریشی وجه تمایز آن با اثر حاضر می باشد. ضمن اینکه موضوعات متاخر را پوشش نمی دهد.

در تحقیق دیگری با عنوان «روشنفکری دینی، دین و تیپولوژی روش‌نفکری (چالش سنت و مدرنیته در قرن ۱۹ ایران)» توسط سید میرصالح حسینی انجام شده است. در این تحقیق بیان شده است که ایرانیان هر زمانی که احساس می کردند که معرفت دینی آنان با تهاجم یگانگان رو برو شده است با آن به مقابله بر می خاستند این اثر پس از بررسی دلایل کشمکش و ستیز میان نخبگان دینی با دیگر نخبگان و بیان دیدگاه های هر کدام به شناخت تیپ های مختلف روش‌نفکری در ایران پرداخته که شامل تیپ سنت گریز، اسلام گرا و غرب گرایی نوین است. از

میان دیدگاه های نخبگان دینی به عنوان مثال تفکرات میرزای شیرازی و شیخ فضل الله نوری، انتخاب و با تحلیل تقابل ها به تفکیک جریانات مثبت و منفی روشنفکری دینی پرداخته شده است. (حسینی، ۱۳۸۷)

کتاب ها و مقالات متعدد دیگری در باب روشنفکری دینی در ایران موجود است که البته هیچ کدام دقیقاً از نگاه و زاویه فرضیه اثر حاضر به موضوع نپرداخته اند. از جمله برخی از مهمترین این آثار می توان به عنوان نمونه به آثار زیر اشاره نمود: روشنفکری دینی و انقلاب اسلامی نوشته فرهاد شیخ فرشی (۱۳۸۱)؛ روشنفکران مذهبی و عقل مدرن

نوشته تقی رحمانی (۱۳۸۴)؛ درآمدی بر جامعه شناسی روشنفکری دینی نوشته محمد علی ذکریایی (ذکریایی، ۱۳۷۸) به هر حال در هیچ کدام از این آثار - هر چند مرتبط با موضوع این پژوهش - فرضیه اصلی اثر حاضر یعنی تاثیر جهانی شدن بر تحول فکر دینی در ایران مورد بررسی واقع نشده است.

بعد از بیان این مقدمات درادامه و در فصل نخست، ابتدا به بررسی موضوع جهانی شدن خواهیم پرداخت در این فصل ابتدا کانال‌ها و ابزارهای جدید ارتباطی و اطلاعاتی در قالب جهانی شدن شرح داده خواهد شد که چگونه از این طریق اندیشه‌ها و افکار در سطح بین‌المللی به سهولت و سرعت

امکان جابجایی یافته اند. در بخش های بعدی این فصل به تسلط اندیشه های چپ در سطح جامعه بین الملل پیش از انقلاب اسلامی و تحول به گسترش لیبرالیسم در سال های پس از انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت. در فصل دوم به اندیشه های روشنفکران دینی نسل دوم ایران (شريعتی) در پیش از انقلاب به تأثیر از هژمونی اندیشه های چپ اشاره خواهد شد. و در نهایت در فصل سوم به بررسی تأثیرپذیری روشنفکران دینی ایران بعد از انقلاب (سروش) از گفتمان غالب اندیشه های بین المللی یعنی لیبرالیسم خواهیم پرداخت.

دکتر حمید رضا سعیدی نژاد

(استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه)

زینب ویسی (دانش آموخته ارشد علوم سیاسی)

saeedinezhad@iauksh.ac.ir

فصل اول

جهانی شدن و تحول در ساختار معنایی اندیشه های سیاسی جامعه بین الملل

مقدمه

در این بخش به پاسخ این پرسش مهم خواهیم پرداخت که جهانی شدن بعد از دهه ۱۹۹۰ چگونه توانست به غلبه چند دهه گفتمان روشنفکری چپ در دنیا پایان دهد و مجدداً اندیشه های لیبرالیسم را در صدر قرار دهد.

برای اینکار ابتدا در بخش اول به شرح و توضیح پدیده جهانی شدن تعاریف و ویژگی های آن خواهیم پرداخت و در سه بعد اقتصادی ، سیاسی

و فرهنگی تلاش خواهیم نمود تا جهانی شدن را
توضیح دهیم.

در بخش دوم به شرح و توضیح گفتمان چپ، از
اندیشه های مارکس تا نئومارکسیست های قرن
بیستم خواهیم پرداخت که چگونه جذابیت های این
مکتب فکری روشنفکران تمام کشور های دنیا را
مجذوب خود ساخته بود به نحوی که در طول
دوران جنگ سرد و به ویژه سالهای پایانی منتهی به
انقلاب اسلامی ایران موجب ظهور و شکل گیری
جنبش چپ با حمایت بلوک شرق در اکثر نقاط دنیا
شده بود.

در نهایت در بخش سوم از این فصل به
فرایند جایگزینی مکتب لیبرالیسم به جای گفتمان

چیگرایی به کمک جهانی شدن بعد از دهه ۱۹۹۰ خواهیم پرداخت. ویژگی های مکتب لیبرالیسم و جذابیت های این اندیشه با استناد به نظریه پایان تاریخ فوکویاما اشاره خواهد شد.

بخش اول : جهانی شدن ، تعاریف ویژگی ها

جهانی شدن از جمله مفاهیم بسیطی است که تعاریف مختلف و متعددی از آن ارائه شده است. از آنجا که این مفهوم ابعاد بسیار وسیعی از زندگی اجتماعی سیاسی فرهنگی و اقتصادی بشر را پوشش می دهد لذا در هر تعریف معمولاً ابعاد خاص و متفاوتی از این پدیده برجسته تر نشان داده شده است. جان تامیلینسون در این باره می گوید:

« یکی از ویژگی های ایده جهانی شدن این است که به نظر می رسد هر نوع معنایی به راحتی و فراوانی از آن استنباط می شود. این پدیده به دلیل ظرفیتش برای آفرینش حدس و گمانها، فرضیه ها، تصویر ها و استعاره های اجتماعی نیرومندی که از واقعیت های اجتماعی محض بسی فراتر می روند: مفهوم فوق العاده خلاقی دارند (تامیلینسون، ۱۳۸۱: ۱۵).»

بطور کلی جهانی شدن ناظر بر نوعی همگرایی و حرکت در مسیر گسترش هر چه بیشتر ارتباطات انسانی در سطح بین المللی است. و حیطه عمل آن حوزه های مختلف اقتصادی سیاسی و فرهنگی رادر بر می گیرد، در این دگر گونی و تحول جهان به

سمت یک نظم فرا وستفالیایی در حرکت است. در این نظم جدید دولت‌ها و جوامع انسانی مختلف به نحوه فزاینده‌ای به هم وابسته شده و کمتر قادر به حل مسایل داخلی خود بدون مساعدت همکاری‌ها و نهاد‌های بین‌المللی هستند (MCGrew. ۱۹۹۷:۱۷). البته زمینه ساز این تحول عمیق، پیشرفت فناوری ارتباطات بوده است. توسعه صنعت ارتباطات از حمل و نقل، ماهواره، اینترنت، تلفن، فاکس زمینه‌ایی را فراهم آورد که در آن پدیده‌های مختلف به سرعت بر جهانی پیدا کنند و در عرصه جهانی خود را عرضه نمایند. از